

آینة



روحانی از اصلاح‌طلبان عبور کرد؛ اما اصلاح‌طلبان نه»

● شعار آماده‌سازی فضا برای حضور آقای شجریان در ایران تنها شعاری نیست که آقای روحانی به آن عمل نکرد و می‌توان ادعان کرد بیشتر شعارها و وعده‌هایی که آقای روحانی برای جلب آرای انتخاباتی بیان کرد و می‌توانست تأثیر مثبت در جامعه داشته باشد، محقق نشد... بزرگان جریان اصلاح‌طلب نسبت به افرادی که موجب آسیب به کاینه می‌شوند، به آقای روحانی هشدار داده بودند اما مورد پذیرش رئیس‌جمهور نبود و از آغاز معلوم بود چنین نتایجی خواهد داشت. در سوی دیگر هماهنگی ناخواسته‌ای از ضد انقلاب خارجی و افراطیون شکل گرفت که در کنار عملکرد دولت می‌تواند در مجموع به از بین‌رفتن مرجعیت جریان اصلاحات منجر شود. مردم و عموم رای‌دهندگان عملکرد دولت را به پای اصلاح‌طلبان می‌نویسند... مهم‌ترین آسیبی که یک سیاست‌مدار در تاریخ با آن مواجه خواهد شد نداشتن پشتوانه مردمی است. رئیس دولت اصلاحات به‌همین‌دلیل به‌عنوان یک فرد تعیین‌کننده باقی است، اما آقای روحانی با توجه به مسیری که طی می‌کند، مردم را هم از دست خواهد داد.

انتقاد

آزادی بیان و آزادی اهانت

● شاهد حضور گسترده و پررنگ دو طیف سیاسی مخالف جریان اصلاحات در شبکه اجتماعی توئیتر هستیم. یکی از این طیف‌ها براندازی‌ان مانند بعضی هواداران رضا پهلوی و منافقین خلق هستند که با یک ادبیات خشن و تند با هرگونه گفتمان سیاسی که در مقابل آنها قرار دارد برخورد می‌کنند. در سویی دیگر که آنها نیز هم‌صدا با جریان‌ات خارج‌نشین اصلاح‌طلبان را هدف قرار داده‌اند، افرادی هستند که داعیه اصولگرایی از نوع افراطی آن را دارند. این دو طیف یک اشتراک دارند و آن استفاده از روش فحاشی، تهمت و استفاده از خبرهای دروغ است که تلاش دارند به‌واسطه آن دیده شوند... به نظر من همان‌طور که آقای زیدآبادی در یادداشتی به آن اشاره کردند، این اتفاقات یک تهدید نیست بلکه چالشی است که می‌تواند تبدیل به فرصت شود.

تازان

ستاره‌های سرکوبگر

● پدیده شوم ستاره‌دارشدن دانشجویان از اساس غیرقانونی است. باید با عاملان آن برخورد شود، نه آنکه با یک قانون درصدد جلوگیری از یک پدیده کاملا سیاسی و غیرقانونی بود. از نسوی دیگر علاوه بر آنکه با این تبصره، خود را در موضع ضعف قرار داده، یک امر غیرقانونی دیگر را قانونی کرده است، اما دولت در بخش دوم این تبصره به‌وضوح علیه اصل قانون‌گرایی و صد البته اصول حقوق بشری تاخته است، به‌نحوی که افراد دارای سابقه محکومیت قطعی کیفری به جرائم سازمان‌یافته، قاچاق انسان، محاربه و جاسوسی هستند از حق تحصیل محروم می‌شوند.

نیاز به نظارت

کاهش ارتفاع رشد اقتصاد

● روایت بانک مرکزی از آمار رشد اقتصادی در بهار حکایت از کاهش ارتفاع این شاخص دارد. رشد اقتصادی سه‌ماهه ابتدای سال به میزان ۱/۸ درصد بوده که در مقایسه با رشد ۹ فصل منتهی به آن، کمترین است. متغیرهای مهم در تحقق رشد ۱/۸ درصدی سه ماه نخست سال جاری بخش نفت، حمل‌ونقل، برق و گاز و آب و خدمات و مستغلات بوده است؛ البته سهم نفت باطله‌ی بالاتری از سایرین دارد، زیرا مطابق آمارها در سه ماه نخست رشد اقتصادی بدون نفت تنها ۰/۷ درصد بوده است. داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد که در سه ماه نخست سال جاری تمام چهار گروه اصلی گزارش یعنی کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات رشد ارزش افزوده مثبت ثبت کردند؛ اما به‌جز گروه نفت از ارتفاع رشد در سایر گروه‌ها کم شده است. نکته قابل توجه در این گزارش، منفی شدن رشد زیرگروه «صنعت» در فصل نخست است... اما نکته امیدوارکننده این است که به‌دلیل تغییرات آرزى در سال جاری، رشد صادرات کالاها و خدمات به قیمت ثابت به میزان ۱۰ درصد افزایش داشته است.

کیم‌ان

یک‌دل باش اگر با حسین(ع) ره می‌سپاری

● **محمد ایمانی:** ... نمی‌شود یک سال مدعی شد داستان کرپلا داستان مذاکره و سازش است و سالی دیگر گفت «کرپلا و محرم یادآور فدakarی و ایثار و درس‌آموز ماست که چگونه باید ایستادی، استقامت و فداکاری کرد. داستان کرپلا داستان ایستادگی و مقاومت و تسلیم‌نشدن است». امام حسین درس عزت و ایستادگی داد حتی زیر سم اسب‌های دشمن. آنها که گفتند خزانه خالی است و آمریکا می‌تواند طرف پنج دقیقه تمام نظامی ما را نابود کند و نسخه انفعال و تحمیل‌پذیری پیچیدند، باید تناقضات بزرگ خود با گفتمان سالار آزادگان را حل کنند. همان‌ها اگر به لزوم گفتمان مقاومت عمل کرده بودند، خسارت محض را برای کشور به ارمغان نمی‌آوردند.

politics@sharghdaily.ir

شرق: در روزهای اخیر اقلیتی در کشور تلاش می‌کنند با دستاویز قراردادن ریاست دوره‌ای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، بر شورای امنیت سازمان ملل، حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران را از سفر به نیویورک و حضور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر حذر دارند.

باین‌حال، برخی کارشناسان و فعالان سیاسی که مسائل بین‌المللی را دنبال می‌کنند، چه اصلاح‌طلب و چه اصولگرا، بر ضرورت حضور روحانی در این نشست تأکید دارند و بر این باورند سیاست صندلی خالی در این مجمع دیگر کارآیی ندارد و نباید تریبون مهم سازمان ملل را برای بیان حقانیت مواضع ایران در مسائل جهانی و منطقه‌ای از دست داد.

ماجرأ از آنجا آغاز شد که حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان، در یادداشتی نوشت: «آمریکا قرار است ریاست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل را برعهده بگیرد، اکنون فرصت مناسبی به‌دست آمده است که رئیس‌جمهور کشورمان با اعتراض رسمی و آشکار به ریاست ترامپ بر شورای امنیت سازمان ملل متحد از شرکت در مجمع عمومی سالانه این سازمان خودداری کند تا از این طریق و با تحقیر ترامپ، لاقلاً به بخشی از اهانت‌های آمریکا علیه ایران و مردم ایران پاسخ داده باشد. خودداری آقای روحانی از شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل می‌تواند پاسخ دندان‌شکنی به اهانت‌های بی‌وقفه ترامپ به ایران اسلامی و مردم شریف آن باشد. ضمن آنکه مگر حضور همه‌ساله آقای روحانی در نشست‌های مجمع عمومی سازمان ملل چه دستاوردی داشته است که با عدم حضور ایشان از دست برود؟»

بسیاری از کارشناسان به این موضع کیهان و برخی رسانه‌های همسو با آن که این خط را دنبال می‌کنند، واکنش‌های تندی نشان دادند. آنها بر این باورند که این رویکرد کهنه شده است و تلاش برای «نه به دیپلماسی» هیچ منفعتی برای ایران نخواهد داشت. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک آمریکا برگزار می‌شود، اما قطعاً این نشست متعلق به کشور آمریکا نیست و ایران به‌عنوان یکی از اعضای این سازمان باید در این نشست حضور داشته باشد تا بتواند از فرصت دیپلماسی برای بیان مواضع خود استفاده کند.

نباید میدان را خالی کرد

حمیدرضا آصفی، دیپلمات و سخنگوی پیشین وزارت خارجه، درباره سفر روحانی به مجمع عمومی سازمان ملل معتقد است: «این سفر باید انجام شود تا میدان تبلیغات برای ترامپ و متحدان او علیه ایران خالی نباشد. چشم‌پوشی از این سفر به‌نفع ما نیست. ایران باید در این فرصت به دنبال ایجاد حس هم‌گرایی با دیگر کشورها در مقابل ترامپ باشد.»

تبلیغ سیاست صندلی‌های خالی؛ بازی در زمین ترامپ و نتانیاهو

همچنین محمود صادقی، نماینده تهران در مجلس، با بیان اینکه سیاست صندلی‌های خالی در مجامع بین‌المللی، سیاستی شکست‌خورده است و گروهی که به دنبال اجرای این سیاست هستند، هم‌جهت با نتانیاهو و ترامپ حرکت می‌کنند، گفت: «ضرورت حضور آقای روحانی در

مرتضی مبلغ؛ مخالفان در کی از منافع ملی ندارند

حضور رئیس‌جمهور در اجلاس سازمان ملل در حالی موافق و مخالفانی دارد که به باور برخی موافقان، شرایط به‌وجودآمده دیگر تکرار نخواهد شد و باید از آن در راستای منافع ملی کشور استفاده کرد. مرتضی مبلغ، از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب، از موافقان حضور رئیس‌جمهور در این اجلاس است. او با بیان اینکه مخالفان حضور رئیس‌جمهور در این اجلاس هیچ‌گونه درکی از منافع ملی ندارند، گفت: «اکنون بیش از هر زمان دیگری حضور رئیس‌جمهور در سازمان ملل ضروری است و یک فرصت طلایی به وجود آمده تا رئیس‌جمهور در سازمان ملل به تبیین شرایط جهانی و رفتارهای آمریکا در سطح جهان بپردازد.»

او با بیان اینکه رفتارهای ترامپ و اطرافیانیش بیش از هر زمان دیگری حضور رئیس‌جمهور در سازمان ملل را ضروری می‌کند، افزود: «فرصت به‌وجودآمده یک فرصت طلایی است تا رئیس‌جمهور در سازمان ملل به تبیین شرایط جهانی و رفتارهای آمریکا در سطح جهان بپردازد و به‌خوبی روشن کند چگونه آمریکا بدون پایبندی به معاهدات بین‌المللی و شرایط جهانی، دست به هر اقدامی می‌زند و هیچ‌گونه ملاحظه‌ای هم ندارد». معاون سیاسی وزرات کشور در دولت اصلاحات، با بیان اینکه در اجلاس سازمان ملل شرایطی فراهم می‌شود که می‌توان با بسیاری از کشورها و مقامات عالی‌رتبه آنها مذاکراتی را در راستای منافع ملی انجام داد، گفت: «امروز باید از این فرصت طلایی استفاده کرد و نباید فرصت را به دست دیگران سپرد. در حال حاضر، بهترین فرصت است تا از شکافی که ترامپ در سطح جهان به وجود آورده، بهره‌برداری‌های سازنده‌ای انجام داد.»

او عنوان کرد: «شرایطی که در حال حاضر به وجود آمده است، دیگر به دست نخواهد آمد که بتوانیم به‌سادگی و بدون تمهیدات گسترده با مقامات عالی‌رتبه سایر کشورها به مذاکره بپردازیم؛ بنابراین کسانی که با حضور مذاکرات سازنده‌ای را دنبال کرد.»

سیاست

کارشناسان و سیاست‌مداران از دلایل حضور روحانی در سازمان ملل می‌گویند

سیاست شکست خورده صندلی خالی



او افزود: «این سفر از دو جنبه اهمیت دارد؛ ابتدا از جنبه شرایط و موقعیتی که در آن قرار داریم. اتفاقاتی که در چند سال قبل پشت‌سر گذاشته‌ایم و تحولاتی که پیش رو داریم متفاوت از قبل هستند. دیگری هم از نظر موقعیت و جایگاه خود سازمان ملل، مجمع عمومی سازمان ملل سالی یک‌بار برگزار می‌شود و کشورها در آن فرصت‌های زیادی دارند؛ آنها فرصت دارند دیدگاه‌های خود را بازگو

و برنامه‌های خود را مطرح کنند؛ فرصت دارند ایده‌های نو خود را مطرح کنند و الگوسازی کنند. کشورها می‌توانند جرائم و جنایات برخی عناصر بین‌المللی دیگر را افشا کنند و فرصت‌های زیادی از این قبیل در اختیار داشته باشند. سازمان ملل عرصه و مکان طرح دیدگاه‌ها و منطق‌های مختلف و البته در موارد خاصی هم تقابل آنهاست. اگر خود را در مواردی یکی از طرفین این تقابل بدانیم و از حضور در میان آنها پرهیز کنیم، یعنی اینکه از پیش بازی را باخته و واگذار کرده‌ایم.»

رضا نصری، تحلیلگر مسائل بین‌الملل، هم دراین‌باره معتقد است: «حضورنداشتن ایران در جلسات سازمان ملل از جمله جلسه شورای امنیت، صرفاً یک اقدام نمادین خواهد بود. اقدامات نمادین هم همیشه دست‌خوش تفسیر رسانه‌ها هستند و مخاطب پیام دلخواه ما را الزماً از آن استنباط نخواهد کرد؛ اما با حضور در جلسه، مدیریت و کنترل پیام در دست خود ایران خواهد بود.»

جلال ساداتیان، تحلیلگر بین‌الملل، درباره سفر رئیس‌جمهور به نیویورک معتقد است: «عده‌ای همواره در این تلاش بوده‌اند که ایران را در جامعه جهانی منزوی کنند. در تفسیر بسیار مثبت و خوب باید گفت که اینها شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» را بد فهمیده و تفسیر کرده‌اند و تلقی‌شان معنای انزوا، جدایی و در خود فرورفتن بوده است. اینها فکر می‌کنند شرایط به صورتی

است که ما دور خود دیوار بلند بکشیم تا از تبعات روابط با دیگران مصون بمانیم. بهترین جایی که با کمترین هزینه می‌توان ارتباطات بین‌المللی را برقرار کرد، سازمان ملل است که سران کشورها در آن حضور پیدا می‌کنند و با کمترین تشریفات ممکن می‌توان به رایزنی و گفت‌وگو با رهبران مختلف پرداخت.»

فرصتی برای یک دفاع قاطع

کارشناسان مسائل حقوق بین‌الملل هم بر این باورند که آمریکایی‌ها به دنبال این هستند با جوسازی در شورای امنیت، ایران را متهم کنند و آن را به‌عنوان یک تهدید منطقه‌ای نشان دهند، اما دلایل و شواهد نشان می‌دهد ایران همواره به دنبال تثبیت صلح و آرامش در منطقه بوده است و یکی از نمونه‌های بارز آن نشست سه‌جانبه روسیه، ترکیه و ایران در تهران بود. به همین دلیل وقتی دست ایران برای دفاع از خود با دلایل و شواهد روشن پر است، حضورنایافتن در چنین مجمعی و استغناءکردن از آن تریبون به‌نماینه خودزنی سیاسی است که از سوی یک جریان اقلیت به‌شدت تبلیغ می‌شود.

داود هرمیداس‌باوند، کارشناس مسائل بین‌الملل، دراین‌باره می‌گوید: «وقتی موضوعی راجع به کشوری در شورای امنیت مطرح می‌شود یا به نحوی از آنجا به منافع کشوری مربوط باشد، نماینده آن کشور می‌تواند حضور داشته و دلایل خود را بیان کند. تمام هدف ترامپ این است که در شورای امنیت، ایران را به‌عنوان یک تهدید منطقه‌ای نشان دهد، بنابراین اگر آقای روحانی دلایل متقن و قوی دارد، باید در جلسه حضور یافته و آمریکا را متهم کند که اینکه قوانین بین‌المللی را زیرپا گذاشته و برخلاف منشور و حقوق بین‌الملل از بجام خارج شده است.»

مسعود گودرزی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، هم با تأکید بر لزوم شرکت رئیس‌جمهور در نشست سازمان ملل، آن‌هم با رویکرد تهاجمی معتقد است: «قهر ایران با مجامع بین‌المللی معنایی ندارد. آقای رئیس‌جمهور باید در نشست سالانه سازمان ملل حضور پیدا کرده و حقانیت ایران در موضوع هسته‌ای را اعلام کند. در این دوره آمریکا رئیس دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل است. آن‌هم نسبتی که معمولاً کشورها از آن برای طرح دیدگاه‌های خود در موضوعات خارجی و بین‌المللی استفاده می‌کنند. روحانی می‌تواند از این فرصت استفاده کرده و به‌عنوان یک مدعی سخن بگوید. او باید به نمایندگی از مردم اقداماتی را که در طول سال‌های بعد از انقلاب علیه ما انجام شده و پیامدهایی را به دنبال داشته اعلام کند. بردقارتی‌های بی‌منا و خارج از ضوابط نسبت به ایران انجام شده که نشست سازمان ملل فرصت خوبی برای اعلام این موارد است.»

علی صوفی؛

میدان را به دشمن واگذار نکنیم

موج انتقاده‌ها به سفر حسن روحانی به نیویورک برای شرکت در نشست سالانه سازمان ملل متحد از یادداشت مدیرمسئول کیهان و صحبت‌های رئیس مجلس خبرگان رهبری در اجلاسیه اخیر این نهاد شروع شد. آیت‌الله جنتی از احتمال دیدار رئیس‌جمهوری با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، اظهار نگرانی کرده بود. گرچه پس از این اظهارات، محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهوری، آن را «بی‌پایه و اساس» دانست، اما مخالفان دولت همچنان به دنبال جلویگری از سفر روحانی به نیویورک هستند.

علی صوفی، فعال اصلاح‌طلب، با اشاره به‌ضرورت حضور حسن روحانی در نشست سازمان ملل گفت: «حضورنایافتن رئیس‌جمهوری در سازمان ملل به معنای انفعال ایران و وهن نظام است و نباید میدان را به دشمن واگذار کنیم.»

او همچنین با اشاره به لزوم حضور رئیس‌جمهوری و وزیر خارجه در نشست پیش‌رو در سازمان ملل افزود: «ایران می‌تواند از فرصت پیش‌آمده با اقتدار و مؤثر استفاده کند. سیاست عدم‌حضور و صندلی خالی سیاستی شکست‌خورده و اقدامی نمادین است که باعث از دست‌دادن فرصت‌ها می‌شود. حضور در این نشست باید توجه به موقعیت‌کنونی که زیر بار تحریم‌ها هستیم و آمریکا و اسرائیل به‌دنبال فرصتی برای منزوی‌کردن و خطرناک نشان‌دادن کشورمان هستند، واجب است و در این شرایط باید از فرصت حضور بین‌المللی برای بیان حقایق و مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد.»

این فعال اصلاح‌طلب عنوان کرد: «متأسفانه نگاه سطحی به مسائل بین‌المللی باعث می‌شود تا مخالفت‌هایی با حضور رئیس‌جمهوری اعلام شود و عنوان‌شده که ایران برای پاسخ به اهانت‌های آمریکا در این جلسه حضور پیدا نکند؛ این در شرایطی است که این نوع اعتراض نتایجی

ادامه از صفحه اول

فرست تمایز امور ملی و محلی

... به نحوی بار دیگر موضوع شمول خود را به قانون مدیریت ارجاع داده است. هرچند دستگاه اجرایی بنابر ماده ۵ قانون مدیریت شامل نهادهای عمومی غیردولتی نیز می‌شود؛ اما نباید فراموش کرد ماده ۱۱۷ همین قانون این نهادها را به صراحت از شمول خود خارج می‌کند؛ بنابراین روشن است نهادهای عمومی غیردولتی مشمول صدر ماده واحده قانون منع به‌کارگیری نمی‌شوند. البته قسمت آخر این ماده که اشاره به همه دستگاه‌هایی که به نحوی از آنجا از بوجده عمومی کل کشور استفاده می‌کنند، ابهامی را درباره شهرداری‌ها ایجاد می‌کند؛ زیرا شهرداری‌ها به‌هرحال به شیوه‌های مختلفی در کنار سایر منابع درآمدی از این نوع بوجه‌ها نیز استفاده می‌کنند. سومین و مهم‌ترین نکته این یادداشت تأملی کوتاه درباره توجه به تمایز اساسی میان مفهوم امر ملی از امر محلی و آثار و تبعات آن برای نظام حقوقی کشور و تأثیر مستقیم آن بر موضوع شمول‌یافتن یا نیافتن شهرداران در قانون منع به‌کارگیری بازنشتگان است. واقعیت آن است که متأسفانه این تمایز بر خلاف ظاهر به‌هیچ‌روی مورد توجه صاحب‌نظران، سیاست‌گذاران و اصحاب عمل نبوده است. نتیجه این بی‌توجهی نداشتن زمینه‌های لازم برای طرح نوعی تمرکززدایی اصولی است که می‌تواند پایه‌گذار دموکراسی، توسعه و اداره مطلوب و شایسته در کشور باشد. در بیان دیگر در صورت بی‌توجهی به شرایط و مؤلفه‌های تمرکززدایی اصولی نمی‌توان به‌درستی به اهداف ذکرشده دست یافت. شاید بنیادی‌ترین زمینه و پیش‌شرط چنین نوعی از تمرکززدایی پذیرش و به‌رسمیت‌شناختن تمایز دو مفهوم امر ملی و محلی و در این زمینه باشد. باید پذیرفت که امور ملی تعریف خود، شیوه و سازوکارهای خود و نیز نهادهای تصمیم‌گیر و اجرایی و مقامات اداری خاص خود را دارد. در صورت خلط این مفاهیم با هم و یکدست و یکسان‌پنداشتن همه آنها جز صورتی ظاهری از نوعی تمرکززدایی اقتداری وجود نخواهد داشت و نظام مدیریتی و حقوقی کشور نیز به هیچ‌یک از اهداف مهم ذکرشده دست نخواهد یافت. درباره موضوع یادداشت باید دانست خلط مقامات اداری کشور و یکسان‌داشتن آنها ذیل یک نظم حقوقی واحد خطای بزرگی است که حرکت بزرگ و مهم کشور به سوی تمرکززدایی را که سال‌هاست با وجود مشکلات و موانع مختلف آغاز و قدم‌های مناسبی را نیز برداشته، به عقب برگردانده و باعث توقف بسیاری از پیشرفت‌های نظری و عملی در این عرصه می‌شود. بر مبنای این نگاه به نظر نباید قانون ذکرشده را به‌راحتی شامل شهرداران دانست. روشن است که در صورت عزم قانون‌گذار بر تحت شمول قراردادن این موضوع باید با صراحت از طریق اصلاح قانون تشکیلات، وظائف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران اقدام کرده یا با تصریح از طریق استفساربه برای قانون اخیرالتصویب منع به‌کارگیری بازنشتگان باشد. البته راه راخ و سهل‌تر موضوع نیز از طریق اقدام خود شورای شهر در تصویب مصوبه‌ای در قالب اصلاح در فرایند آیین‌نامه‌های استخدامی و جذب و استفاده از نیروهای انسانی مورد نیاز خود باشد که مسلماً راه آخر دادن بهای بیشتر به نهاد محلی و در نتیجه به‌رسمیت‌شناختن استقلال اداری برای این واحدها خواهد بود.

پارازیت‌ها از کجای آیند

به‌ویژه آنکه با مشاهده نمودارهای سطح جمععی تشعشعات، پرش‌های متعددی مطرح می‌شود که دانستن پاسخ‌های آنها جزئی از حقوق شهروندی شهروندان در برخورداری از محیط‌زیستی سالم و مطلوب است. در این نمودارها بیش از هر چیز تفاوت آشکار میزان تشعشعات در شب و روز و در مناطق مختلف به چشم می‌خورد و این سؤال مطرح می‌شود که اگر امواج شبکه تلفن همراه و سادوسیمای مدام در حال انتشار هستند، طول موجی که روزها بیشتر و شب‌ها قطع می‌شود، چه چیزی است و از کجا منشتر می‌شود؟ آیا سلامت شهروندان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد یا خیر؟ هرچند طبق نمودارها، میزان تشعشعات اندازه‌گیری‌شده تا سطح استاندارد فاصله مطلوبی دارد، اما این نگرانی همچنان موجود است که چرا، چگونه و چه دستگاهی این اقدام را انجام می‌دهد و چرا فقط در ساعات محدودی از شبانه‌روز بر قدرت است یا چرا شامل برخی شهرها می‌شود و در شهرهای کوچک خبری از آن نیست؟ آیا آنها شب‌ها دستگاه‌های خویش را خاموش می‌کنند؟ تاکنون هیچ‌کس مسئولیت پارازیت‌هایی را که برای ایجاد اختلال در امواج ماهواره ساطع می‌شوند، برعهده نگرفته است. شاید آنها برای این کار خویش جحشی دارند که ما نمی‌دانیم، اما باید گفت هرچند برای همه ما حفظ ارزش‌های حاکم بر انقلاب اسلامی مهم است و کسی راضی به بی‌ثباتی و ویرانی اخلاقی ارکان خانواده نیست، اما اگر پارازیت‌ها به سلامت مردم آسیب برسانند، آیا تاوان استفاده غیرقانونی برخی از ماهواره، امواج پارازیتی است؟ آنچه منطقی به نظر می‌رسد، این نکته است که اگر هیچ‌کدام از تنبیهات در نظر گرفته‌شده، از ممنوعیت تا پارازیت، برای منع استفاده از ماهواره فایده‌ای نداشته است، قطعاً راهکار دیگری باید جست و آن چیزی جز تقویت فرهنگ عمومی در جامعه نیست. تعجب بسیار دارد در زمانه‌ای که مردم به مدد پیشرفت‌های فناوری امکانات بیشتری برای کسب اخبار و اطلاعات دارند، اصرار عده‌ای بر ارسال تشعشعات با ریسک بالا که سلامت مردم را تهدید می‌کند و هزینه‌های به‌مراتب سنگین‌تری به همراه دارد، چیست؟ چه کسی پاسخ‌گوی مطالبات مردمی است؟